

تحریف تورات و انجیل از دیدگاه قرآن



آنچه مورد نظر این نوشتار است بحث از تحریف لفظی تورات و انجیل است. حال پرسش این است که آیا به راستی می‌توان با توجه به آیات قرآن کریم این ادعا را ثابت کرد که تورات و انجیل فرستاده شده بر موسی و عیسی(ع) را پیروان آن دو پیامبر الهی تحریف کرده‌اند؟

خبرگزاری فارس: آنچه مورد نظر این نوشتار است بحث از تحریف لفظی تورات و انجیل است. حال پرسش این است که آیا به راستی می‌توان با توجه به آیات قرآن کریم این ادعا را ثابت کرد که تورات و انجیل فرستاده شده بر موسی و عیسی(ع) را پیروان آن دو پیامبر الهی تحریف کرده‌اند؟

چکیده

تحریف به معنای تغییر است. به گمان بسیاری از دانشوران شیعه و سنی، در تورات و انجیل - یا دست کم تنها در تورات - تحریف راه یافته است. مستند بسیاری از اینان آیات قرآن کریم است. سخن از تحریف تورات و انجیل موجود، امری نامعقول است؛ با این حال، تحریف تورات و انجیل اصیل از ظاهر برخی آیات قرآن کریم برمی‌آید. هدف این نوشتار بررسی آیاتی است که بسیاری از مفسران شیعه و سنی بر پایه ظاهر آنها، به تحریف آن دو کتاب آسمانی یا یکی از آنها نظر داده‌اند. نگارنده با مراجعه به این آیات و جست‌وجو در متون تفسیری شیعه و اهل سنت، به بررسی این مسئله پرداخته است. بر اساس این پژوهش اغلب آیات بر این ادعا دلالتی ندارند و تنها در یک آیه با کمک روایات شأن نزول می‌توان ادعای یادشده را ثابت کرد.

مقدمه

قرآن کریم از نزول تورات و انجیل بر دو پیامبر بزرگ الهی، موسی و عیسی ‡ خبر می‌دهد. بی‌گمان آنچه امروزه در اختیار مسیحیان و یهودیان قرار دارد و از آن به کتاب مقدس تعبیر می‌کنند، غیر از تورات و انجیل اصیل فرستاده شده بر این دو پیامبر است. نگاهی کوتاه به کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان نظریه آسمانی بودن آنها را - به گونه‌ای که مسلمانان درباره قرآن معتقدند - رد می‌کند. ضمن اینکه بنابر اظهارات یهودیان، تورات نوشته شخص حضرت موسی † بوده و به باور مسیحیان اناجیل چهارگانه را پس از وفات حضرت عیسی † افراد بشری نوشته‌اند، بنابراین، هر دو ادعای یهودیان و مسیحیان با این اعتقاد مسلمانان که خداوند تورات و انجیل را بر آن دو پیامبر فرو فرستاد، منافات دارد.

راه یافتن تحریف در هر کتابی حتی کتاب‌های آسمانی امری محتمل است. البته سخن از تحریف تورات و انجیل موجود، امری نادرست است، اما در اینکه آیا تورات و انجیل اصیل تحریف شده‌اند یا نه، بین دانشوران مسلمان اختلاف هست. هدف این نوشتار بررسی آیاتی است که بسیاری از مفسران شیعه و سنی بر پایه ظاهر آنها، تحریف آن دو کتاب آسمانی را نتیجه گرفته‌اند.

مفهوم تحریف و اقسام آن

لغت‌نویسان واژه تحریف را به معنای تغییر دانسته‌اند. 2. خلیل فراهیدی نیز استعمال این واژه در قرآن را به همین معنا می‌داند. 3

تحریف را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد :

1. تحریف لفظی: کم یا زیاد کردن الفاظ؛
2. تحریف معنوی: برگرداندن عبارت از معنای واقعی خود با حفظ اصل الفاظ.

تحریر محل نزاع

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، بحث از تحریف تورات و اناجیلی که امروزه در اختیار یهودیان و مسیحیان است، امری نامعقول است، چراکه اساساً به اذعان پیروان این دو دین، خداوند متعال کتاب‌هایی به نام تورات و انجیل بر حضرت موسی و عیسی ‡ نازل نکرده است، بلکه به اعتقاد یهودیان، تورات نوشته حضرت موسی † و اناجیل چهارگانه نوشته پیروان حضرت عیسی(ع) است. 4. محور بحث ما این است که بر اساس آیات نورانی قرآن کریم، خداوند متعال دو کتاب آسمانی به نام‌های تورات و انجیل بر این دو پیامبر بزرگ نازل کرده است. از سوی دیگر در برخی از آیات از تحریف آن دو کتاب فرستاده شده سخن به میان آمده است. بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت نیز بر اساس ظاهر آن آیات موضوع تحریف آن دو کتاب یا دست‌کم کتاب تورات را پذیرفته و آن را به قرآن نسبت داده‌اند.

همچنین باید دانست که وقوع تحریف معنوی در هر کتاب آسمانی و بشری محتمل است و در این نوشتار ما در پی اثبات یا رد چنین نوعی از تحریف نیستیم. آنچه مورد نظر این نوشتار است بحث از تحریف لفظی تورات و انجیل است. حال پرسش این است که آیا به راستی می‌توان با توجه به آیات قرآن کریم این ادعا را ثابت کرد که تورات و انجیل فرستاده شده بر موسی و عیسی(ع) را پیروان آن دو پیامبر الهی تحریف کرده‌اند؟

آیات قرآنی بیانگر تحریف

در شش آیه از آیات نورانی قرآن کریم، از تحریف سخن به میان آمده است :

آیه یکم. بقره: 75

(أَقْتَطَمْعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ)؛ آیا انتظار دارید به [آیین] شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که آگاه بودند؟!)

در این آیه خداوند متعال به مسلمانانی که امید داشتند قوم یهود اسلام را اختیار کنند، می‌گوید: اینان هم آنان‌اند که کلام خدا را شنیدند و پس از فهمیدن آن به تحریفش پرداختند.

درباره اینکه مراد از کلام الله در این آیه چیست و آیا از این آیه تحریف تورات و انجیل به دست می‌آید، نظریات مختلفی ارائه شده است:

1. تغییر و تأویل در کلمات القا شده به حضرت موسی (ع)

برخی از مفسران مقصود از کلام الله را در این آیه همان کلماتی دانسته‌اند که در کوه طور به موسی (ع) القا شد و همراهان آن حضرت آن را شنیدند و پس از بازگشت از کوه طور به تغییر و تحریف آن پرداختند. 5

البته قائلان به این دیدگاه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

– شماری از آنها قائل به تغییر و تبدیل آن کلمات‌اند. 6

– برخی دیگر نیز بر تأویل کلام الله به دست همراهان حضرت موسی (ع) تأکید دارند. 7

بر اساس چنین برداشتی از آیه، اولاً انجیل از موضع بحث خارج می‌شود؛ ثانیاً دیگر نمی‌توان این آیه را دلیل بر تحریف لفظی تورات و انجیل دانست.

2. تحریف معنوی تورات

گروهی از مفسران شیعه و اهل سنت، با اذعان به اینکه مقصود از کلام الله همان تورات است، تحریف به کار رفته در آیه را تحریف معنوی دانسته‌اند. 8

3. تحریف لفظی تورات

گروهی دیگر از مفسران بر این باورند که مقصود از تحریف در این آیه، تحریف تورات است. ظاهر عبارت ایشان با قول به تورات لفظی سازگارتر است. اینان تغییر صفات پیامبر (ص) و آیه رجم را مصادیق چنین تحریفی شمرده‌اند و 9 و برخی، جمهور مفسران اهل سنت را بر این عقیده دانسته‌اند. 10

4. تحریف لفظی و معنوی تورات

برخی مفسران نیز مقصود از تحریف را اعم از لفظی و معنوی تورات دانسته‌اند. 11
بررسی و تحقیق: قطعی‌ترین نکته‌ای که درباره این آیه می‌توان گفت این است که از آن، تحریف انجیل بر نمی‌آید؛ اما اینکه این آیه در پی بیان تحریف تورات است یا نه، خود وابسته به این است که منظور از کلام الله در این آیه همان تورات باشد، آن‌گاه باید دانست که مراد از تحریف آیا لفظی است یا معنوی.

اثبات چنین امری از دو راه ممکن است. پیش از آن، یادآوری مقدمه‌ای کوتاه لازم می‌نماید:

قرآن کریم در سه آیه از میقات حضرت موسی (ع) با خداوند خبر داده است:

یک. (وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا عَشْرَ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً) (اعراف: 142)؛ و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب [دیگر] کامل کردیم. به این ترتیب، میعاد پروردگارش [با او]، چهل شب تمام شد.

در این آیه درباره توقف چهل روزه حضرت موسی (ع) در میقات برای دریافت الواح تورات سخن به میان آمده است.

دو. (وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَيَّ الْجَبَلِ) (اعراف: 143)؛ و هنگامی که موسی به وعده‌گاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم!

در این آیه نیز، سخن گفتن حضرت موسی (ع) با خداوند متعال و تقاضای رؤیت الهی و برآورده نشدن این درخواست از سوی خداوند سبحان، به تصویر کشیده شده است.

سه. (وَاحْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا) (اعراف: 155)؛ موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید.

این آیه نیز از انتخاب هفتاد نفر از قوم بنی‌اسرائیل برای حضور در میقات خبر داده است.

با توجه به این مقدمه، دو راه ممکن – البته به طور فرضی و عقلی – برای اثبات تحریف تورات به مدد آیه 75 سوره بقره ارائه می‌شود:

راه اول

اینکه بگوییم حضرت موسی (ع) تنها یک بار به میقات خداوند رفته و در همان میقات عده‌ای از قوم خود را به همراه داشته است و آن همراهان پس از اعطای الواح تورات به آن حضرت و بازگشت به سوی قوم خود آن را تحریف کردند.

در بررسی این نظریه باید به سراغ قرآن رفت و حقیقت را جویا شد. قرآن کریم در سوره اعراف آیه 155 داستان انتخاب این هفتاد نفر

را برای حضور در کوه طور با حضرت موسی (ع) به تصویر می‌کشد: (وَاحْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا). در اینکه آیا این میقات همان میقاتی بوده است که الواح تورات به وی داده شد یا اینکه، میقات دیگری بوده است، میان مفسران اختلاف وجود دارد. 12

برخی مفسران بر این باورند که تنها یک میقات وجود داشته است که در همان جا تقاضای رویت و اعطای الواح تورات به آن حضرت صورت گرفته است. 13

آیه 143 از سوره اعراف درباره میقاتی که تقاضای رویت در آن صورت گرفت سخن به میان آورده است: (وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَلَكِنْ نَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ).

برخی از مفسران شیعه این تقاضا را از آن قوم موسی (ع) دانسته‌اند 14 و عده‌ای نیز آن را درخواست همراهان آن حضرت یا همان هفتاد نفر دانسته‌اند 15 که در همان جا تورات به ایشان داده شد. اما ایراد این سخن (وحدت میقات) آن است که الواح تورات پس از چهل شبانه‌روز به آن حضرت داده شد: (وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْتَاهَا بَعَشْرَ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً).

اگر قائل به وحدت میقات شویم لازم می‌آید که این هفتاد نفر در این چهل روز همراه موسی (ع) بوده باشند و پیش یا پس از اینکه حضرت موسی الواح تورات را گرفت تقاضای رویت کرده باشند؛ حال آنکه دلیلی بر این ادعا اقامه نشده است. ضمن اینکه سیر آیات چنین وحدتی را رد می‌کند؛ زیرا در آیه 142 از چهل شبانه‌روز بودن میقات آن حضرت دارد. در آیه 145 اعطاء الواح تورات به آن حضرت را بیان می‌کند:

(وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَوْحَاءِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَحَدَّثَهَا بِقُوَّةٍ)؛ و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم و بیانی از هر چیز کردیم. پس آن را با جدیت بگیر.

در آیه 148 از سوره اعراف از گوساله‌پرستی قوم موسی (ع) در غیاب ایشان سخن به میان می‌آید: (وَإِذْ أَخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خَلِيلِهِمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خُوَءٌ)؛ قوم موسی بعد از رفتن [او] به وعدگاه خدا [از زیورهای خود گوساله‌ای ساختند؛ جسد بی‌جان که صدای گوساله داشت.

آیه 150 از همین سوره بازگشت حضرت موسی (ع) را به سوی قوم خود بیان می‌کند:

(وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا)؛ و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت.

در آیه 155، از انتخاب آن هفتاد نفر از قوم آن حضرت برای آمدن به میقات و رجعه سخن به میان آمده است:

(وَاحْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَهْلَكْتَنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ)؛ موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای وعدگاه ما برگزید و هنگامی که زمین‌لرزه آنها را فرا گرفت [و هلاک شدند]، گفت: پروردگارا! اگر می‌خواستی، می‌توانستی آنان و مرا پیش از این هلاک کنی! آیا ما را به آنچه سفیهانمان انجام داده‌اند، [مجازات و] هلاک می‌کنی؟! این، جز آزمایش تو چیز دیگر نیست.

ذیل آیه نشان از آن دارد که مراد از فعلی که موجب رجعه گردید همان گوساله‌پرستی آن قوم بوده است و روایتی هم از امام صادق (ع) نقل شده که مراد از فتنه را در این آیه گوساله‌پرستی قوم یهود معرفی کرده‌اند. 16

از مجموع آیات و روایات برمی‌آید که سیر آیات با تعدد میقات سازگارتر است؛ بدین معنا که حضرت موسی (ع) در میقات اول خود الواح تورات را دریافت می‌کند و پس از بازگشت و دیدن گوساله‌پرستی قوم خود، به همراه هفتاد نفر از قوم خود به میقات دوم می‌روند که در آنجا قوم او تقاضای رویت می‌کنند.

راه دوم

راه دوم این است که با وجود تعدد میقات، کلام الله در این آیه - که هم بر الواح تورات و هم بر کلمات خداوند با موسی (ع) در میقات دوم اطلاق می‌شود - مراد همان تورات باشد که قوم آن حضرت آن را تحریف کردند. البته باورمندان به این نظر برای اثبات ادعای خود دلیلی اقامه نکرده و احتمال دیگر را نیز نفي ننموده‌اند.

با توجه به این اشکالات بر این دو راه، نمی‌توان از این آیه، تحریف تورات را به قرآن نسبت داد.

آیه دوم. بقره: 79

(فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا بَفَرُوا)؛ پس وای بر آنها که نوشته‌ای‌ها را پنهان می‌کنند و می‌گویند: "این، از طرف خداست" تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنان از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند.

خداوند متعال در این آیه از نوشتن کتاب‌هایی از سوی برخی افراد و نسبت دادن آنها به خداوند خبر می‌دهد.

تمام مفسران افراد یادشده در این آیه را علمای یهود دانسته‌اند؛ اما درباره اینکه مقصود از کتاب در این آیه چیست، مفسران نظریات متفاوتی ارائه کرده‌اند:

1. نوشتن کتابی غیر از تورات

بر اساس این دیدگاه، برخی از بنی‌اسرائیل به نوشتن کتابی غیر از تورات پرداختند و اعلام کردند که این کتاب، کتاب خداوند است؛ حال آنکه مطالب موجود در این کتاب با آیات تورات مخالف بوده است. 17

2. تحریف معنوی تورات

بر اساس این دیدگاه، کتاب یادشده در این آیه همان تورات بوده و قوم بنی‌اسرائیل به تغییر معانی آن اقدام کرده، سبب تحریف

3. تحریف لفظی تورات

مفسران نخستین جهان اسلام به همراه برخی دیگر از مفسران شیعه و سنی این آیه را دلیل بر وقوع تحریف لفظی در تورات به وسیله قوم یهود دانسته و تغییر صفت پیامبر گرامی (ص) را مصداقی از آن تحریف معرفی کرده‌اند. 19

بررسی و تحقیق: نگاه بدون پیش‌داوری به آیه پیش‌گفته ما را به این نتیجه می‌رساند که بر اساس این آیه، قوم یهود کتابی را نوشته بودند و می‌گفتند که این کتاب یا مطلب در آن، از جانب خداوند است؛ حال ممکن است که کتابی دیگر غیر از تورات بوده باشد و نیز ممکن است که مطلبی را در کتابی نوشته بودند و در تورات وارد می‌نمودند.

نظریه تحریف لفظی تورات، شاهدهی از خود آیه به همراه ندارد؛ از این رو، نمی‌توان با استناد به این آیه، نظریه تحریف لفظی تورات را به قرآن نسبت داد. ضمن اینکه تحریف معنوی نیز با ظاهر معنای آیه سخنی ندارد؛ چراکه در آیه سخن از کتابت و نوشتن است و این معنا با مفهوم تحریف ناسازگار است.

با وجود این، در برخی تفاسیر روایتی نقل می‌شود که در آن، امام حسن عسکری (ع) ذیل همین آیه شریفه می‌فرماید:

"هذا القوم من اليهود كتبوا صفة زعموا انها صفة محمد (ص) و هي خلاف صفة و قالوا للمستضعفين منهم هذه صفة النبي المبعوث في آخرالزمان انه طويل عظيم البدن و البطن اهدف اصبه الشعر "؛ 20 اینان قوم یهود بودند، سر خود صفتی را که پنداشته بودند مربوط به محمد است نوشتند؛ در حالی که آن، خلاف ویژگی‌های آن حضرت بود، و به مردم مستضعف خود گفتند: این، ویژگی پیغمبر آخرالزمان است: او فردی قد بلند، تنومند با شکمی بزرگ، گردن ستر، ریش قرمز [یا] سفیدی در موی سر است.

در روایت هم سخن از نوشتن صفتی است؛ حال این عمل ممکن است به شکل نوشتن آن در تورات در عصر پیامبر اکرم (ص) باشد یا در کتابی مستقل.

به هر حال اگرچه نظریه تحریف لفظی تورات بر اساس این آیه امری محتمل است، از این آیه نمی‌توان به طور قطع تحریف لفظی تورات را استنباط کرد.

آیه سوم. آل عمران: 78

(وَإِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكِبْرَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ)؛ در میان آنها کسانی هستند که زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید [آنچه را می‌خوانند] از کتاب [خدا] است، در حالی که از کتاب [خدا] نیست! [و با صراحت] می‌گویند: "آن از طرف خداست!" با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند، در حالی که می‌دانند.

خداوند متعال در این آیه، از این واقعیت خبر می‌دهد که برخی افراد به هنگام خواندن کتاب آسمانی‌شان، زبان خود را می‌چرخاندند، آن‌گاه پس از ایجاد تغییر در آن الفاظ، آنها را همان الفاظ واقعی معرفی می‌کردند.

در اینکه اینان چه کسانی بودند، مقصود از کتاب کدام کتاب است و سرانجام آیا از این آیه تحریف کتاب آسمانی تورات یا انجیل استنباط می‌شود یا نه، نظریات گوناگونی ارائه شده است:

دیدگاه اول

بر پایه این دیدگاه، چرخاندن زبان، کار برخی از بنی‌اسرائیل بوده است، اما مقصود از کتاب، کتاب تورات نیست. قائلان به این نظریه بر این باورند که بر اساس این آیه بنی‌اسرائیل، کتابی غیر از یهود نوشته‌اند. 21

دیدگاه دوم

به باور قائلان به این دیدگاه مقصود از کتاب، در این آیه همان تورات است. همچنین نتیجه کلی این آیه همان تحریف تورات است؛ اگرچه برخی از مفسران تنها به اصل تحریف اشاره کرده‌اند، 22 اما اغلب مفسران با معین کردن نوع تحریف، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند:

1. تحریف در قرائت تورات: گروهی بر این باورند که بر اساس این آیه، بنی‌اسرائیل تنها مرتکب تحریف در قرائت الفاظ تورات شدند. 23

2. تحریف معنوی تورات: گروهی دیگر معتقدند که بر اساس این آیه بنی‌اسرائیل با چرخاندن زبان، در معنای الفاظ تورات تغییر ایجاد کردند و مرتکب تحریف معنوی در آیات تورات شدند. 24

3. تحریف لفظی تورات: در میان کتاب‌های تفسیری شیعه و سنی، مفسرانی را می‌توان یافت که بر پایه این آیه، تحریف لفظی تورات را به قوم یهود نسبت داده‌اند. 25

بررسی و تحقیق: پیش از داوری درباره نظریات ارائه شده، لازم است برخی از واژگان آیه را بررسی لغوی کنیم.

واژه "یلودون" از ماده "لوي" به معنای "قتل الحبل" یعنی پیچاندن است 26 که در این صورت ظاهر آیه

تحریف لفظی تورات را اثبات نمی‌کند، بلکه قدر متیقن از معنای آیه این است که یهود زبان را در دهان می‌پیچاندند و الفاظ را به گونه دیگری غیر از آنچه در تورات آمده بود، ادا می‌کردند و می‌خواستند آن را به تورات نسبت دهند، اما اینکه چنین کاری به الفاظ تورات هم سرایت کرد یا نه، آیه از آن ساکت است. افزون بر آن، اساساً روشن نیست که مقصود از کتاب همان تورات باشد. بنابراین از این آیه نمی‌توان تحریف لفظی تورات را ثابت کرد.

آیه چهارم. نساء: 46

(مَنْ الذِّينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ)؛ بعضی از

یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند و [به جای اینکه بگویند: "شنیدیم و اطاعت کردیم"] می‌گویند: "شنیدیم و مخالفت کردیم!" و [نیز می‌گویند: "بشنو! که هرگز نشنوی! و از روی تمسخر می‌گویند: ["راعنا] ما را تحمیق کن!"] تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه زنند.

خداوند متعال در این آیه به صراحت از تحریف کلمات و جابه‌جا کردن آنها به وسیله قوم یهود، خبر داده است. با وجود این، در این آیه روشن نشده است که مقصود از کلمات، کدام کلمات‌اند؟ مفسران شیعه و سنی در این باره نظریات متعددی ارائه کرده‌اند:

1. القای شبهات فاسد
بر اساس این دیدگاه، مقصود از کلمات در این آیه، کلمات موجود در تورات نیست، بلکه مقصود القای شبهات فاسد از طریق گرداندن زبان در دهان به وسیله قوم یهود بوده است. بنابراین، آیه بیانگر تحریف تورات به وسیله قوم یهود نیست. 27
2. به کاربردن الفاظ در غیر جای خود
قائلان این نظریه بر این باورند که بر اساس این آیه، قوم یهود الفاظ را در غیر جای خود به کار می‌بردند. 28 بر پایه این دیدگاه، تحریف تورات به وسیله قوم یهود از این آیه بر نمی‌آید.
3. تغییر معانی الفاظ
برخی مفسران مقصود از تحریف را در این آیه به معنای تغییر معانی الفاظ به وسیله یهود با توجه به اختلاف لغات عبری و عربی دانسته است؛ 29 بر پایه این نظریه نیز، آیه بیانگر آن نیست که یهودیان تورات را تحریف کرده‌اند.
4. تحریف معنوی تورات
برخی دیگر از مفسران، از این آیه تحریف معنوی تورات به وسیله قوم یهود را نتیجه گرفته‌اند. 30
5. تحریف لفظی تورات
بر اساس این دیدگاه، مقصود از تحریف در این آیه، همان تحریف لفظی تورات است. 31
6. تحریف معنوی و لفظی
برخی از مفسران بر این باورند که این آیه به نحو مطلق از تحریف تورات سخن گفته است؛ بنابراین، مقصود از تحریف در این آیه، اعم از معنوی و لفظی است. 32
7. تحریف لفظی، معنوی و تحریف کلام‌الله و تحریف کلام رسول‌الله (ص)

برخی از مفسران نیز مقصود از تحریف را در آیه اعم از لفظی و معنوی و نیز تحریف کلام الله و کلام رسول‌الله (ص) دانسته‌اند. 33 بررسی و تحقیق: با توجه به معنای اصلی واژه تحریف که به معنای تغییر است، باید گفت که این معنا، هم با تحریف لفظی و هم با تحریف معنوی هر دو سازگار است؛ برای تعیین یکی از این دو باید قرائن و شواهد را جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد برای استنباط معنای درست آیه، باید مجموع آیه را ملاحظه کرد. نگاهی جامع به آیه بیانگر این حقیقت است که جمله معطوف بر عبارت (يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ) می‌تواند مراد آیه را روشن سازد. عبارت معطوف - که در حقیقت مفسر عبارت یحرفون الکلم عن مواضعه است از مسخره کردن پیامبر اکرم (ص) از جانب قوم یهود در قالب تغییر معانی و جابه‌جا کردن معنای الفاظ با توجه به اختلاف لغات عبری و عربی خبر می‌دهد.

ضمن اینکه برخی مفسران روایتی را - هرچند به طور مرسل - از امام حسن عسکری (ع) نقل می‌کنند که بر اساس آن، قوم یهود با توجه به اختلاف لغات عبری و عربی به استهزاء رسول خدا (ص) می‌پرداختند و در این هنگام این آیه کریمه نازل شد. 34 بنابراین از ظاهر این آیه کریمه نمی‌توان تحریف لفظی را برداشت کرد و روایت موجود هم مؤید این مطلب است.

آیه پنجم. مائده: 13
(فِيمَا نَقُصُّهُمْ مِنْهَا قَوْمَهُمْ لَعْنَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ)؛ پس به سبب پیمان‌شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم. سخنان [خدا] را از موردش تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند.

خداوند متعال در این آیه از پیمان‌شکنی‌های قوم یهود، تحریف و جابه‌جایی کلمات و نیز فراموش کردن آن کلمات از سوی قوم یهود خبر می‌دهد. این پیمان‌شکنی‌ها سبب دور شدن آنها از رحمت خداوند و سنگ شدن دل‌های آنها شد.

حال پرسش این است که اولاً مقصود از "کلمات" در این آیه چیست؟ ثانیاً مراد از تحریف، کدام نوع از تحریف است؟ مفسران شیعه و سنی در این باره نظریات متعددی ارائه کرده‌اند:

1. تغییر در حکم خدا
برخی از مفسران درباره این آیه تنها به این نکته اشاره کرده‌اند که بنی‌اسرائیل در حکم خدا تغییر ایجاد کردند. 35
2. نوشتن تورات به جای تورات مفقودشده
برخی از مفسران بر این باورند که با توجه به گم شدن تورات در طول تاریخ ممکن است این آیه اشاره به آن باشد که جمعی از دانشمندان یهود به نوشتن تورات اقدام کردند، در نتیجه قسمت‌های فراوانی از میان رفت و قسمتی تحریف یا به دست فراموشی سپرده شد، و آنچه به دست آنها آمد، بخشی از کتاب واقعی حضرت موسی (ع) بود که با خرافات زیادی آمیخته شده بود و آنها همین بخش را نیز گاهی به دست فراموشی سپردند. 36
3. تحریف معنوی
گروهی دیگر از مفسران مقصود از تحریف را تحریف معنوی دانسته‌اند. 37

4. تحریف لفظي

برخي مفسران شيعه و سني با توجه به اين آيه، تحريف لفظي تورات را به قوم يهود نسبت داده‌اند. 38

5. تحريف لفظي و معنوي

گروهي ديگر از مفسران نيز مقصود از تحريف را در اين آيه اعم از لفظي و معنوي دانسته‌اند. 39

بررسي و تحقيق: چنان‌که پيش‌تر بيان شد، تحريف به معنای تغيير است و اين معنا هم با تحريف لفظي سازگار است و هم با تحريف معنوي. در اينجا قرينه‌اي وجود ندارد که نوع تحريف را روشن کند.

اما در صورتي مي‌توان ملتزم به تحريف لفظي تورات شد که تغيير صورت گرفته در آيه موردنظر در آيه را اولاً مربوط به تورات بدانيم؛ ثانياً اين تغيير را به الفاظ مکتوب تورات نيز سرايت دهيم؛ يعني در اينکه بر اساس اين آيه، قوم يهود کلماتي را تغيير مي‌دادند، ترديد نيست، اما آيا مقصود، تغيير کلمات تورات بوده است؟ اگر مقصود تغيير کلمات تورات بوده، آيا اين تغيير تنها در هنگام نقل قول بوده است يا اينکه افزون بر آن، به الفاظ مکتوب تورات نيز راه يافته است؟

از آيه کریمه نمي‌توان پاسخ اين دو پرسش را به دست آورد. پس، از اين آيه نيز نمي‌توان به تحريف لفظي تورات پي برد.

آيه ششم. مائده: 41

(وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِينُمْ هَذَا فَحَدُوثٌ وَإِنْ لَمْ تَأْتُوا فَاِحْدَرُوا؛ و [همچنين] گروهي از يهوديان که خوب به سخنان تو گوش مي‌دهند، تا دستاويزي براي تکذيب تو بيبانند، آنها جاسوسان گروه ديگري هستند که خودشان نزد تو نيامده‌اند. آنان سخنان را از مفهوم اصلي‌اش تحريف مي‌کنند، و [به يکديگر] مي‌گويند: اگر اين [که ما مي‌خواهيم] به شما داده شد [و محمد بر طبق خواسته شما داوري کرد،] بپذيريد، وگرنه [از او] داوري کنيد. خداوند متعال در اين آيه از برخي بني‌اسرائيل نام مي‌برد که با جاسوسي و کارشکني در رسالت پيامبر اکرم (ص)، به تحريف کلمات مي‌پردازند.

سؤال اساسي در اين آيه آن است که مقصود از کلمات و تحريف آنها چيست؟

مفسران شيعه و سني در اين باره دیدگاه‌هاي متفاوتي ارائه کرده‌اند:

1. تغيير احکام

گروهي از مفسران در مقام تبیین این آیه، سخني از تحريف تورات به میان نياورده و بر اين باورند که این آيه در مقام بيان آن است که خداوند احکامي را بر قوم يهود وضع کرده بود، ولي آنها آن احکام را تغيير دادند؛ حال به گونه معنوي يا لفظي. 40

2. تحريف معنوي تورات

گروهي ديگر از مفسران مقصود از کلمات را همان آيات موجود در تورات دانسته‌اند، اما تحريف را تنها تحريف معنوي تفسير کرده‌اند. 41

3. تحريف لفظي تورات

مفسران ديگري نيز مقصود از تحريف در آيه را تحريف لفظي دانسته‌اند. 42

4. تحريف لفظي و معنوي تورات

برخي از مفسران با توجه به اطلاق واژه تحريف، بر پايه اين آيه به رخ دادن تحريف لفظي و معنوي در تورات معتقد شده‌اند. 43
بررسي و تحقيق: آيه کریمه از تغيير کلمات سخن به میان آورده و روشن ننموده است که مقصود، تغيير کلمات تورات بوده است يا تغيير کلماتي ديگر. براي روشن نمودن اين وضعيت مي‌توان به دیدگاه‌هاي مربوط به سبب نزول آيه رجوع کرد. گويي دو دسته روايت درباره سبب نزول اين آيه وجود دارد:

1. بر اساس برخي اقوال، سبب نزول اين آيه تغيير حکم قتل عمد بوده است که بني‌قريظه به دليل کمبود مال و نفرت نسبت به بني‌نضير بر خود تحميل کرده بودند؛ با اين توضيح که اگر فردي از بني‌قريظه يکي از بني‌نضير را مي‌کشت، افزون بر قصاص، به پرداخت نصف ديه محکوم مي‌شد؛ ولي اگر کسي از بني‌نضير کسي از بني‌قريظه را مي‌کشت، تنها محکوم به پرداخت نصف ديه مي‌شد، اما به جاي قصاص، مجازات ديگري را بايد متحمل مي‌شد. در يك حادثه مردی از بني‌قريظه، مرد ديگري از بني‌نضير را کشت و بني‌نضير مطابق با پيمان مذکور، تقاضاي ديه و نيز تحويل قاتل را دادند، که بني‌قريظه اين درخواست را مخالف با تورات دانستند و پيشنهاد مراجعه به پيامبر اکرم (ص) و حاکم قرار دادن ايشان را مطرح نمودند که آيه پيش‌گفته نازل شد. 44
بر اساس اين روايات اساساً سخني از تغيير در الفاظ تورات به میان نيامده است و حتي باقي ماندن تورات بر احکام واقعي نيز تأييد شده است.

2. بر اساس برخي ديگر از اقوال که امامان شيعه نيز آن را تأييد کرده‌اند، سبب نزول اين آيه تغيير حکم زنا از رجم به جلد بود. قوم

يهود چنين کرده بودند و در گفت‌وگوي میان پيامبر اکرم (ص) و ابن‌صوريان به اين امر اعتراف شد. 45

روايات نوع دوم میان شيعه و سني طرفدار بيشتري دارد، به ويژه آنکه از امامان شيعه و نيز صحابه بزرگوار هم‌چون ابن‌عباس نقل شده است تا آنجا که مرحوم امين‌الاسلام طبرسي اين شأن نزول را قول امام باقر(ع) #8224؛ و جماعتي از مفسران شمرده 46 و برخي ديگر از محققان اين روايت و شأن نزول را روشن‌ترين روايت در اين باره دانسته‌اند. 47

در اينجا پرسش مهم اين است که آيا چنين تغييری به الفاظ موجود در تورات راه يافته بود تا بتوان به تحريف لفظي تورات حکم کرد يا نه؟

براي پاسخ به اين پرسش لازم است که متن گفتار پيامبر اکرم (ص) خطاب به ابن‌صوريا و پاسخ ابن‌صوريا را نقل کنيم:

"انشدك بالله الذي لا اله الا هو الذي فلق البحر لموسي (ع) ... و الذي انزل عليك كتابه بين لك حلاله و حرامه و ظلل عليك المن و

السلوي هل وجدتم في كتابكم انّ الرجم علي من احصن؟ قال: اللهم نعم "48: تو را قسم مي‌دهم به خدايي که جز او خدايي نيست، کسي که دريا را براي موسي † شکافت... و آن خدايي که کتابش را بر شما نازل کرد تا حلال و حرامش را روشن سازد و خدايي که "من" [شيره مخصوص و لذیذ درختان] و هلوي [مرغان مخصوص شبيه کبوتر] را بر شما سايه بان قرار داد = فرو فرستاد]. آیا در کتاب خودديد که بر خود زناکار محصن [همسر دار] مجازات سنگسار است؟

به نظر مي‌رسد که اگر در تورات آن زمان حکم زناي محصنه همان حکم اصلي يعني رجم بود، به فرستادن بيک نزد پيامبر اکرم و ابن صوريا نياز نبود، بلکه با مراجعه به متن تورات موجود، نزاع بين بني قريظه و بني نضير رفع مي‌شد و آن حضرت نيز بدون اينکه نياز باشد از ابن صوريا سؤال کند، خود به تورات مراجعه و حکم واقعه را استخراج مي‌نمود. همچنين کيفيت پرسش از ابن صوريا و سوگندهاي مکرر رسول خدا براي اعتراف گرفتن از ابن صوريا و نيز پرسش به صيغه ماضي (= هل وجدتم) همگي تأييدي بر اين مطلب است که حکم زنا در الفاظ تورات از رجم به جلد تغيير و تحريف يافته بود؛ لذا رسول خدا از ابن صوريا بر آن، اعتراف گرفت. مي‌توان گفت که اطلاق در آيه به لحاظ قسم دوم از روايات سبب نزول - که از قوت لازم برخوردار است - انصراف به تحريف لفظي دارد. از اين رو، مي‌توان مدعي شد که با توجه به اين آيه، قرآن کریم تحريف لفظي تورات را به قوم بني اسرائيل نسبت داده است.

نتيجه‌گيري

نتايج حاصل از اين تحقيق عبارت‌اند از :

1. تحريف معنوي در هر کتاب آسماني از جمله تورات و انجيل راه يافته است.
2. قرآن کریم در شش آيه، بني اسرائيل را متهم به تحريف کرده است، اما در هيچ يك از اين آيات، از تحريف انجيل نازل شده بر حضرت عيسي † سخني به ميان نيامده است و در تمام آيات محور بحث، تورات است.
3. در پنج آيه از شش آيه موردنظر، مي‌توان اذعان نمود که قرآن کریم درصد آن نيست که بني اسرائيل را تحريف‌کنندگان لفظي تورات نازل شده معرفي کند.
4. از آيه 41 سوره مائده با کمک روايات سبب نزول مي‌توان به اين نتيجه رسيد که قوم يهود به تحريف لفظي تورات پرداخته‌اند.

پی نوشت ها

- 2 - ابن منظور، لسان العرب، ج 9، ص 43 / اسماعيل بن حماد جوهري، الصحاح تاج اللغة، ج 4، ص 1343 / فخرالدين طريحي، مجمع البحرين، ج 1، ص 490 / محمدمرتضي زبيدي، تاج العروس، ج 1، ص 28.
- 3 - خليل بن احمد فراهيدي، العين، ج 3، ص 211.
- 4 - حسين توفريقي، آشنائي با اديان بزرگ، ص 99 / توماس ميشل، کلام مسيحي، ص 23 و 24.
- 5 - محمّد بن حسن طوسي، التبيان في تفسير القرآن، ج 1، ص 313 / سيدهاشم بحراني، البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 252 / محمّد سبزواري نجفي، الجديد في تفسير القرآن، ج 1، ص 97 / محمّد جواد بلاغي، آلاء الرحمن في تفسير القرآن، ج 1، ص 102 / محمّد بن حسن شيباني، نهج البيان عن كشف معاني القرآن، ص 165 / ناصر مکارم شيرازي، تفسير نمونه، ج 1، ص 313.
- 6 - ابوظاهر فيروزآبادي، تنوير المقاس من تفسير ابن عباس، ص 12.
- 7 - محمّد رشيد رضا، المنار، ج 1، ص 355.
- 8 - سيد محمود آلوسي، روح المعاني، ج 1، ص 298 / سيد محمّد حسين فضل الله، من وحي القرآن، ج 2، ص 197 / محمّد صادقي تهراني، الفرقان في تفسير القرآن، ج 2، ص 28.
- 9 - عبد الرحمن بن احمد نسفي، تفسير نسفي، ص 45 / محمود زمخشري، الكشاف، ج 1، ص 156 / محمّد بن حسين قمي نيسابوري، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج 1، ص 350 / طنطاوي جوهري، الجواهر في تفسير القرآن، ج 1، ص 90 و 91 / محمّد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج 1، ص 352 / ابي الفرج جوزي بغدادي، الجامع لاحكام القرآن، ج 1، ص 382 / جلال الدين سيوطي، الدر المنثور، ج 1، ص 198 / ابن ابي حاتم، تفسير القرآن العظيم، ج 1، ص 149 / فضل بن حسن طبرسي، جوامع الجامع، ج 1، ص 109.
- 10 - سيد محمود آلوسي، روح المعاني، ج 1، ص 298.
- 11 - فخر رازي، مفاتيح الغيب، ج 1، ص 561. البته وي تحريف لفظي را در صورتي که تأييدي در احتجاج خداوند با بندگان نداشته باشد، مي‌پذيرد و نيز، ر.ك: محمّد صادقي تهراني، الفرقان في تفسير القرآن، ج 2، ص 28 / عبدالله بن عمر بيضاوي، انوار التنزيل، ج 1، ص 89.
- 12 - ر.ك: فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج 1، ص 285 / فخرالدين رازي، مفاتيح الغيب، ج 1، ص 565.
- 13 - ر.ك: سيد محمّد حسين طباطبائي، الميزان، ج 1، ص 212 / ناصر مکارم شيرازي و ديگران، تفسير نمونه، ج 1، ص 313.
- 14 - محمّد بن محمّد رضا قمي شهدي، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 5، ص 169.
- 15 - ابوالفتوح رازي، روض الجنان، ج 8، ص 374.
- 16 - محمّد بن مسعود عياشي، تفسير عياشي، ج 2، ص 31.
- 17 - محمّد بن جرير طبري، جامع البيان، ج 1، ص 300 / ابن ابي حاتم، تفسير القرآن العظيم، ج 1، ص 154 / سيد محمود آلوسي، روح المعاني، ج 1، ص 303 / محمّد بن حسن طوسي، التبيان، ج 1، ص 102 / فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج 1، ص 292.
- 18 - سيد محمود آلوسي، روح المعاني، ج 1، ص 303. البته آلوسي يگانه ناقل اين قول است.

- 19 - ابن عباس، قتاده، ابن زید و سفیان به نقل از: ابی‌الفرج جوزی، زادالمسیر فی علم‌التفسیر، ج 1، ص 82 / ابی‌طاهر یعقوب فیروزآبادی، تنویرالمقیاس من تفسیر ابن عباس، ص 12 / طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 91 / جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج 1، ص 201 و 202 / ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج 2، ص 27 و 28 / سید عبدالحسین طیب، اطیب‌البیان، ج 2، ص 173 / محمدبن حبیب‌الله سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان، ج 1، ص 17 / همو، الجدید فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 101 / بهاء‌الدین لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج 1، ص 72 / سیدهاشم حسینی بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 258 / سید نصرت‌امین بانوی اصفهانی، مخزن العرفان در تفسیرقرآن، ج 1، ص 380 / سید علی‌اکبر قرشی، احسن‌الحدیث، ج 1، ص 173-174 / ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 1، ص 316.
- 20 - عبدعلی عروسی حویزی، نورالثقلین، ج 1، ص 92 / محمدمشهدی قمی، کنزالدقائق، ج 2، ص 61. صاحبان این دو تفسیرروایت یادشده را از طبرسی نقل کرده‌اند. ر.ک: احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 264.
- 21 - احمدبن ابی‌سعد میبدی، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، ص 11 / سید علی‌اکبر قرشی، احسن‌الحدیث، ج 2، ص 117 / محمدبن حبیب‌الله سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان، ج 1، ص 65 / همو، الجدید فی تفسیرالقرآن، ج 2، ص 87.
- 22 - محمدبن جریر طبری، جامع‌البیان، ج 3، ص 232 / عتیق‌بن محمد سوراآبادی، تفسیر سوراآبادی، ج 1، ص 296 / سیدمحمدحسین فضل‌الله، من وحي‌القرآن، ج 6، ص 121.
- 23 - محمدجواد بلاغی، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج 3، ص 232 / محمد مشهدی قمی، کنزالدقائق، ج 3، ص 140 / ملافتح‌الله کاشانی، زبدة التفسیر، ج 1، ص 512 / محمد صادقی تهرانی، الفرقان، ج 5، ص 208 / حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج 4، ص 293 / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج 3، ص 265.
- 24 - ابوطاهر فیروزآبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص 50 / عبدالله بن عمر بیضاوی، انوارالتنزیل، ج 2، ص 24 / محمود زمخشری، الکشاف، ج 1، ص 377 / فخرالدین رازی، مفاتیح‌الغیب، ج 8، ص 95 / طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 131 / محمدبن حسین قمی نیسابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج 3، ص 232 / محمدبن احمد قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج 2، ص 1146 / ملا فتح‌الله کاشانی، منهج الصادقین، ج 2، ص 257.
- 25 - قتاده، ابن جریج و ربیع به نقل از محمدبن حسن طوسی، التبیان فی تفسیرالقرآن، ج 2، ص 508 و 509 / ابن عباس، به نقل از ابن‌ابی‌حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج 2، ص 684-689 و نیز به نقل از: محمدبن جریر طبری، جامع‌البیان، ج 3، ص 232.
- 26 - ابن منظور، لسان‌العرب، ج 15، ص 262 / راغب اصفهانی، المفردات، ص 457.
- 27 - فخرالدین رازی، مفاتیح‌الغیب، ج 1، ص 95.
- 28 - سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج 4، ص 373.
- 29 - سید عبدالحسین طیب، اطیب‌البیان، ج 4، ص 93.
- 30 - محمدبن جریر طبری، جامع‌البیان، ج 5، ص 75 / محمدبن حسین قمی نیسابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج 5، ص 52-61 / محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج 3، ص 1480 / محمدبن حسن طوسی، التبیان، ج 3، ص 213 / فضل‌بن‌حسن طبرسی، جوامع‌الجامع، ج 1، ص 604 / محمدبن حبیب‌الله سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 295 / همو، ارشاد الاذهان، ج 1، ص 91.
- 31 - ابوطاهر فیروزآبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص 71 / عبدالرحمن بن احمد نسفی، تفسیر نسفی، ص 177 / محمود زمخشری، الکشاف، ج 1، ص 516 / فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج 3، ص 85 / محمد مشهدی قمی، کنز الدقائق، ج 3، ص 417 / ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 3، ص 254.
- 32 - طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 50 / عبدالله بن عمر بیضاوی، تفسیر البیضاوی، ج 2، ص 350 / سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، مواهب‌الرحمان، ج 8، ص 247 / حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج 5، ص 401.
- 33 - محمد صادقی تهرانی، الفرقان، ج 7، ص 94.
- 34 - سید هاشم بحرانی، البرهان، ج 2، ص 68.
- 35 - محمدبن حبیب‌الله سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان، ج 1، ص 114.
- 36 - ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 4، ص 313.
- 37 - فخرالدین رازی، مفاتیح‌الغیب، ج 11، ص 148 / محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج 3، ص 169 / سیدعلی‌اکبر قرشی، احسن‌الحدیث، ج 3، ص 237.
- 38 - ابوطاهر فیروزآبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص 90 / جلال‌الدین سیوطی، الدرالمنثور، ج 2، ص 268 / بهاء‌الدین لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج 1، ص 625 / افزون بر مفسران یادشده، عبارات مفسرانی همچون بیضاوی (انوارالتنزیل، ج 1، ص 417)، نسفی (تفسیر نسفی، ص 214)، محمود زمخشری (الکشاف، ج 1، ص 615) و طنطاوی (غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج 7، ص 68) نیز به تحریف لفظی نزدیک‌تر است.
- 39 - محمد رشیدرضا، المنار، ص 12. البته برخی از مفسران نیز هردو نوع تحریف را بیان کرده‌اند، اما در این باره که این تحریفات در تورات بوده یا نه؟ نکته خاصی را بیان نکرده‌اند. ر.ک: محمدبن حسن طوسی، التبیان، ج 3، ص 470 / محمد صادقی تهرانی، الفرقان، ج 8، ص 224 / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج 5، ص 245.
- 40 - فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج 3، ص 301 / سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج 5، ص 347 / محمدبن حبیب‌الله سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان، ج 1، ص 91 / سیدمحمدتقی مدرس، من هدی القرآن، ج 2، ص 376 / محمدمشهدی

- قمي، كنزالدقائق، ج 4، ص 117 / حسن مصطفوي، تفسير روشن، ج 7، ص 75.
- 41 - محمود زمخشري، الكشاف، ج 1، ص 633 / بهاءالدين لاهيجي، تفسير شريف لاهيجي، ج 1، ص 655 / سيد علي اكبر قرشي، احسن الحديث، ج 3، ص 73.
- 42 - ابوظاهر فيروزآبادي، تنويرالمقياس من تفسير ابن عباس، ص 93-94 / محمد بن جرير طبري، جامع البيان، ج 6، ص 152-153 / فخرالدين رازي، مفاتيح الغيب، ج 11، ص 184.
- 43 - محمد بن حسين قمي نيسابوري، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج 7، ص 98 / عبدالله بن عمر بيضاوي، تفسير بيضاوي، ص 429 / طنطاوي، الجواهر في تفسير القرآن، ج 3، ص 187 / محمد رشيد رضا، المنار، ج 6، ص 389.
- 44 - علي بن ابراهيم قمي، تفسير قمي، ج 1، ص 168 / عتيق بن محمد سورآبادي، تفسير سورآبادي، ج 1، ص 565.
- 45 - مقاتل بن سليمان بلخي، تفسير مقاتل بن سليمان، ج 1، ص 475 / محمد بن محمد رضا قمي مشهدي، كنزالدقائق، ج 4، ص 117 / احمد بن ابي اسعد ميدي، كشف الاسرار و عدة الابرار، ج 3، ص 117 / سيد محمد حسين طباطبائي، الميزان، ج 5، ص 339.
- 46 - فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج 3، ص 299-300.
- 47 - ناصر مكارم شيرازي، تفسير نمونه، ج 4، ص 381-382.
- 48 - مقاتل بن سليمان بلخي، تفسير مقاتل بن سليمان، ج 1، ص 475-476.

نويسنده: محمد حسين فارياب

منبع: <http://www.qabas.net/nashrie/marefat/archive/143/10.htm>